

کیمیای

# شیخ برطعانی

مختصر نامه

بیانات رهبر معظم انقلاب  
در دیدار فعالان چپه فرهنگی انقلاب اسلامی

۹۵/۸/۱۹





تابستان ۱۳۹۶

ربط عاشقی

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار فعالان جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی ۹۵/۸/۱۹

طرح جلد: سید محمد دانا

صفحه آرا: حسن ناصری

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۰۰۰ تومان (غیرقابل فروش)

استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت‌ها، در صورت ذکر منبع آزاد می‌باشد.



جامعه ایمانی مشعر

قم صندوق پستی: ۳۷۱۹۵ ۱۵۱۳

رایانامه: info@۱۵۴۲.org

سامانه پیامک: ۳۰۰۰۱۵۴۲

پایگاه اطلاع‌رسانی: www.۱۵۴۲.org

# بسم رب العزائم

## مقدمه

۱۹ آبان ۹۵ بود که توفیق، نصیبِ عده‌ای از دوستان شد تا برای بار دوم به نمایندگی از همه اعضا و اجزا و عناصر و فعالان جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی، محضر رهبر معظم انقلاب مشرف شوند. دیداری مملو از شوق و بهجت و حسرت و خاطره... «الحمد لله بالاخره جمعی در کشور پیدا شدند که بدانند، بفهمند کشورشان چیست؟ کیست؟ ظرفیت‌ها چیست؟ ما که هر چه به بعضی‌ها راجع به ظرفیت‌های کشور، راجع به امکانات کشور و این‌ها می‌گوییم خیلی باور نمی‌کنند. اما الحمد لله جماعت شما این حقیقت را باور کردید و لمس کردید و به نمایش درآوردید...»

ربط دل من و تو ربط عاشقی است  
اینجا سخن ز کهتر و مهتر نمی‌رود»  
بیانات این دیدار همان قدر که راه‌گشا و نشان‌دهنده آینده‌ای روشن بود، حامل بیان بی‌واسطه مطالبات ولی امر مسلمین از تک‌تک ما اهالی جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی نیز بود. رهبر معظم انقلاب، در این دیدار ضمن آن که بر عملکرد پیشین صحنه گذاشتند؛ وظایف متعددی را گوشزد و تعریف فرمودند. امید است تا پس از آشنایی دقیق با ابعاد مختلف مطالبات ایشان از هیأت‌های مذهبی، لیبیک و آمادگی خود را در «عمل» به رهبر آزاده‌مان نشان دهیم.

الحمدلله بالاخره جمعی در کشور پیدا شدند که بدانند، بفهمند کشورشان چیست؟ کیست؟ ظرفیت‌ها چیست؟ ما که هر چه به بعضی‌ها راجع به ظرفیت‌های کشور، راجع به امکانات کشور و این‌ها می‌گوییم خیلی باور نمی‌کنند. اَمَّا الحمدلله جماعت شما این حقیقت را باور کردید و لمس کردید و به نمایش درآوردید.

مطالبی هم که این دوستان بیان کردند عمده مطالبی بود که در دل بنده هم همین حرف‌ها، همین توقعات بود. الحمدلله هم‌دلی است، هم‌زبانی هست.

رابط دل من و تو ربط عاشقی است  
اینجا سخن ز کهتر و مهتر نمی‌رود

### فهم ظرفیت‌ها و امکانات کشور

خیلی متشکر و خرسندم از اینکه دوستان همّت کردید این جلسه بسیار خوب را تشکیل دادید. تجدید عهدی شد، یادی شد.

اگرچه از بعضی از بخش‌های شما گزارش‌هایی یا می‌بینم یا می‌شنوم یا می‌خوانم، لکن این گزارش مبسوط مشروح و گویا، برادران لطف کردند و دادند، حقیقتاً بسیار خوب بود. هم پر مغز بود، هم حاکی از تلاش و جدّیت فراوان بود، هم حاکی از هوشمندی و آینده‌نگری بود.

خاطر این است. یعنی همینطور این نسل‌ها پی‌درپی، پشت سرهم، هی جوان پشت سر جوان، جوان پشت سر جوان. مثل نیروهای ذخیره جنگ. یک نیرو صفاشکنی می‌کند و راه را باز می‌کند؛ نیروی بعدی از وسط عبور می‌کند و موقعیت را تصرف می‌کند. بعد خط دفاعی تشکیل می‌دهد و احياناً حمله می‌کند؛ بعد نیروی بعدی خط را می‌شکافت. جنگ فرهنگی هم عیناً همین جور است؛ البته با ظرافت‌های خیلی بیشتر و با پیچیدگی‌های خیلی زیادتر و نیازمند به هوشمندی‌های خیلی بیشتر.

الحمدلله شما جوان‌ها راه افتادید، آمديد و کار را شروع کردید. بالاخره ما هم همین حرف‌ها را با شما داریم.

## توجه به نیروی جوانان

مرحوم آقای خوشوقت می‌گفت یک عارفی در مکاشفه دید که یک سکوی بلندی است که جوان‌ها می‌آیند و جست می‌زنند. با یک جست می‌پرند روی سکو. عارف هرکاری کرد نتوانست و افتاد زمین. در عالم معنویت هم همین است، آنجا هم جوان آمادگی‌اش بیشتر است و بهتر می‌تواند پرواز کند.

الحمدلله این مفاهیم در دل شما جوان‌ها روییده است. اینکه من این همه اصرار می‌کنم آموزش بدهید و بپرورانید، تربیت کنید و به وجود بیاورید برای

اسب عربی تشبیه کردم. گفتم اسب عربی هیچ وقت خسته نمی‌شود. یعنی از پا نمی‌افتد و وقتی که می‌افتد دیگر می‌میرد، تمام. می‌رود تا تمام می‌شود. آقای یکتا از آن اسب‌های عربی اصیل است.

خب الحمدلله آقای عبودتیان هم تعریف‌های خوبی از ایشان شنیدم، امشب بیشتر از ایشان شنیدیم، لکن قبلاً گزارش‌های خوبی می‌آمد. از یکایک شماها واقعاً تشکر می‌کنم. همه این گزارش‌هایی که دادید گزارش‌های بسیار خوبی بود. هم (شبکه) افق را گاهی اتفاق افتاده دیدم؛ هم محصولات (سازمان هنری رسانه‌ای) اوج را، هم بخش مربوط به فضای مجازی را.

راجع به اوج یکی از دوستانی که برای این جلسه به من مشورت دادند که مطالعه کنم، چیز جالبی نوشته بود. نوشته بود من معلمم، خصوصیت‌م این است که تا چیزی دست‌م می‌دهند زیر غلط‌ها خط بکشم. طبیعت معلم این است. راجع به اوج صحبت کرده بودیم و چیزهایی خط کشیده بود، لکن می‌گویند در عین حال معلم این خصوصیات را هم دارد. وقتی به محصل نگاه کند، آینده‌ای در او می‌بیند. می‌گفت در ناصیه روشن اوج چیزی را می‌بینم که خیلی برجسته است.

## تشکر از فرماندهان جنگ نرم

باید تشکر کنیم از دست‌اندرکاران و از شخص آقای جعفری. ایشان را فرمانده سپاه گذاشتیم. نگاه اول به فرمانده سپاه «نظامی‌گری» است. آقای جعفری به موازات «نظامی‌گری»، «فرهنگی‌گری» را هم از خودشان نشان دادند و وارد مقوله فرهنگ و کار فرهنگی شدند. همانطور که دوستان گفتند اگر واقعاً سپاه نبود این مجموعه کار و این‌ها انجام نمی‌شد. این پشتیبانی‌ها انجام نمی‌گرفت.

از آقای یکتا که در راه‌اندازی این کار خیلی نقش ایفا کرد، واقعاً تشکر می‌کنم. آقای یکتا هم از آن آدم‌هایی است که تمام نمی‌شود. همین‌طور می‌جوشد. مثل اسب عربی که هیچ‌وقت خسته نمی‌شود. بنده خودم را چندسال قبل به

با خرج بی حساب و کتاب  
موافق نیستیم؛ چه در پول‌های  
بزرگ و چه در خرج‌های کوچک.  
بایستی همه چیز باحساب و  
کتاب باشد. چون بالاخره مال  
بیت‌المال است.

## مراقبت در استفاده از بیت‌المال

خب! بخش عمده پشتیبانی آقای جعفری و سپاه، پشتیبانی مالی است. پشتیبانی مالی لازم است و باید انجام بگیرد، اما با مراقبت؛ این را من اصرار دارم. اما اینکه خود پشتیبانی مالی را بعضی بگویند چطور و چرا؟ باید گفت اگر همه پشتیبانی‌های مالی فعالیت‌های شما را با هم جمع کنند، گمان نمی‌کنم به قدر خرج چند موشکی که ما به عنوان آزمایش انجام می‌دهیم، باشد. گاهی با آقایان جلسه‌ای تشکیل دادیم و می‌گفتم باید تشخیص بدهم که این آزمایش لازم است. آقایان چند نفری از بزرگان نیروهای مسلح می‌نشینند و می‌نویسند که بله این آزمایش برای این موشک لازم است و باید انجام بگیرد. خرج آن آزمایش‌ها مجموعاً شاید چند برابر همه مخارجی باشد که در جبهه فرهنگی، آقای جعفری خرج می‌کنند. بنابراین با هزینه کردن سپاه هیچ مخالفتی ندارم؛ البته با مراقبت. با خرج بی حساب و کتاب موافق نیستیم؛ چه در پول‌های بزرگ و چه در خرج‌های کوچک. بایستی همه چیز باحساب و کتاب باشد. چون بالاخره مال بیت‌المال است.

## فراهم کردن وسائل استمرار کار جبهه فرهنگی

یک مسئله اینکه قدر این کار را باید بدانید. این کار فرهنگی که قرارگاه قُرب برعهده گرفته با مجموعه‌ای که زیرمجموعه‌اش است، کار بسیار مهمی است. این را باید قدر دانست. نباید رها کرد و باید وسائل استمرار آن را فراهم کرد. دستگاه‌های مسئول نه اینکه نخواهند؛ بعضی نمی‌توانستند و بعضی شرایط اداری‌شان اجازه نمی‌داد. دیروز یک مسئول دولتی پیش من بود می‌گفت متأسفانه ما بعد از انقلاب آمدیم نظامات سیاسی و نظامی را دگرگون و منقلب کردیم و سپاه آوردیم، ولی نظامات اداری را نتوانستیم دست بزنیم.

گاهی نمی‌توانند. گاهی چنان این شبکه آب، تنگ است یا آشغال درونش است که اصلاً اجازه نمی‌دهد آب از اینجا عبور کند. لذا بعضی از دستگاه‌ها نمی‌توانند و بعضی هم کوتاهی می‌کنند. اما شما الحمدلله کوتاهی نکردید. فرمود:

مرید پیر مغانم ز من مرنج ای شیخ

چرا که وعده تو کردی و او بجا آورد!

البته این شیخ‌های عزیز ما، همه جزء همان پیشروانی هستند که به وجود این‌ها افتخار می‌کنم. شیخی که گفتم مراد این‌ها نیستند. (خنده حضار)

ایسن کار فرهنگی که قرارگاه  
قرب برعهده گرفته با مجموعه‌ای  
که زیرمجموعه‌اش است، کار بسیار  
مهمی است. این را باید قدر دانست.  
نباید رها کرد و باید وسائل استمرار  
آن را فراهم کرد.



## جنگ امروز، جنگ فرهنگی است

ببینید! مسئله فرهنگ یک مسئله اصلی است. بنده بارها گفتم مثل هواست که تنفس می‌کنید. چه بخواهیم چه نخواهیم تنفس می‌کنیم. اگر چنانچه فرهنگ غلطی بر جامعه حاکم باشد، چه بخواهیم چه نخواهیم تحت تأثیر آن قرار می‌گیریم. بچه‌های ما تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند. بایستی این هوا را تمیز کرد. لذا مسئله فرهنگ اهمیت زیادی دارد. دشمن انقلاب، اول کار به این نکته توجه نداشت. اوایل انقلاب با روش جنگ سخت با انقلاب برخورد کردند. کودتا راه انداختند؛ جنجال‌های قومی و بعد هم جنگ راه انداختند. محاصره اقتصادی کردند، تهدید کردند؛ اما این‌ها اثر نکرد.

جنگ، ملت ما را منسجم کرد. این جنگ واقعاً برای ما یک گنج بود. از ابعاد مختلف گنج بود. بعد متوجه شدند که راه

شکست این انقلاب، کار سخت نیست؛ کار نرم است، کار فرهنگ است. امروز یا دیروز بود در روزنامه‌های از قول یکی از حضراتی که با آمریکایی‌ها خیلی صمیمی و رفیق است، نوشته بود بین ایران و آمریکا یک انقلاب اسلامی نشسته است، تا این انقلاب اسلامی هست این دو به هم نمی‌رسند. اگر بخواهیم این دو تا به هم برسند باید انقلاب اسلامی را از وسط برداریم. این حرف درستی است. به فکر افتادند که به شکل مناسب و با شیوه فرهنگی انقلاب اسلامی را بردارند که واقعاً هم ممکن است. اگر غفلت کنیم این اتفاق می‌افتد. این‌چنین نیست که تصور کنیم این جزء محالات عقلی است. بستگی دارد به اینکه این طرف چه کار بکنیم. لذا شبیخون فرهنگی و تهاجم فرهنگی شروع شد. ابتدا که ما گفتیم بعضی باور نکردند. حتی بعضی در تلویزیون حرف حقیر را که درباره تهاجم فرهنگی سخنرانی کرده بودم، صریحاً رد کردند؛ من خودم پای تلویزیون بودم و شنیدم. بعد ما یک قدم بالاتر رفتیم و گفتیم شبیخون فرهنگی. این مفهوم به تدریج خودش را تفهیم کرد. ابتدا هم دشمن مراکز اصلی تهاجم را نمی‌دانست؛ ولی بعدها فهمیدند و آتشبارها را به طرف مراکز اصلی مورد اهتمام یعنی ستون‌های اصلی

فرهنگی روانه کردند. شماها که در کار فرهنگ هستید و رصد می‌کنید، غالباً بیشتر از من می‌دانید که این‌ها دارند چه کار می‌کنند؛ به خصوص با فناوری‌های جدید. یکی مسئله ماهواره، بعد مسئله فضای مجازی. دشمنان همه تلاششان را می‌کنند و واقعاً مجاهدت می‌کنند. خب البته این طرف هم بیکار نبود. داریم مشاهده می‌کنیم.

### پیشرفت کشور در مسائل فرهنگی

اعتقاد قطعی و عینی من این است که ما از لحاظ سطح فرهنگی در مجموعه کشور از گذشته و ضعمان بهتر و سطحمان بالاتر است. از لحاظ کیفیت بهتریم؛ از لحاظ کمیت هم اتفاقاً بهتریم. دهه شصت که بعضی از شما در دنیا تشریف نداشتید و بعضی هم در جریان مسائل نبودید، کسانی بودند که علناً علیه جنگ و دفاع مقدس حرف می‌زدند. علیه همان چیزی که حالا اینقدر مقدس است. مخالفین زیادی داشت. کم نبودند خانواده‌هایی که به جنگ کاری نداشتند. ما آنهایی که جبهه می‌رفتند، می‌شمردیم. چقدر خانواده‌ها و جوان‌هایی که اصلاً نگاه هم به جبهه نکردند. من یک نوشته‌ای را نمی‌خواهم اسم بیاورم، کتاب مفصل معتبری را که نامه‌های اشخاصی است

مسئله فرهنگ یک مسئله اصلی است. بنده بارها گفتم مثل هواست که تنفس می‌کنید. چه بخواهیم چه نخواهیم تنفس می‌کنیم. اگر چنانچه فرهنگ غلطی بر جامعه حاکم باشد، چه بخواهیم چه نخواهیم تحت تأثیر آن قرار می‌گیریم.

به یک شخصیت محترم داخل کشور که آن شخصیت هم آدم حساسی است. نامه‌ها را منتشر کرد. آنجا یکی از افرادی که در یکی از ایالات آمریکا ساکن است - البته بعد از انقلاب ساکن شده و من آن شخص را هم از نزدیک می‌شناسم، دکتر بود و بنده یک دفعه به او مراجعه کرده بودم - نامه می‌نویسد به این رفیق تهرانی‌اش. پنج، شش نامه است برای همان دوران جنگ. از همه مسائل گوناگون، هم خبر می‌دهد و هم خبر می‌گیرد؛ اما یک کلمه راجع به بمباران تهران نمی‌گوید که آقا تهران شنیدیم مثلاً بمباران شده است! یک کلمه راجع به اینکه بالاخره کار جنگ به کجا رسید، نمی‌پرسد! بالاخره اینجا کشور توست، خانه توست که به آن حمله شده است؛ حمله به جمهوری اسلامی که نشده بود، حمله به ایران شده بود. اما یک کلمه در این نامه‌ها نیست! من در حاشیه کتاب یادداشت کردم که این عبرت است. کم نبودند کسانی که جنگ را نادیده می‌گرفتند. پس امروز اگر چنانچه شما ببینید فلان جوان، فلان خانواده، فلان شخصیت فرهنگی یا سیاسی به مسائل انقلاب اعتنایی ندارد، خیلی نباید تعجب کنید. آن زمان که جنگ بود و آتشفشانی بود، بی‌خیال و بی‌اعتنا به این مسائل می‌رفتند

و می‌آمدند و کار خودشان را می‌کردند و گردش خودشان و سفر خارجی خودشان را می‌رفتند؛ مقاله‌ها و کتاب‌های خودشان را می‌نوشتند و شعرهای خودشان را می‌گفتند. اصلاً نگاه نمی‌کردند حادثه‌ای به این عظمت در کشور اتفاق می‌افتد. الان تعجبی ندارد اگر یک عده توجهی ندارند.

علاوه بر این، فکر انقلاب و نگاه انقلاب رشد پیدا کرده است. شما الان می‌گویید محصولاتتان در لبنان و مصر و ترکیه هست. امروز خبر می‌خواندم که فیلمی ایرانی در مصر رفته و جایزه گرفته، یا در ترکیه و عراق پخش شده. همین جور محصولات انقلابی شما دارد پیش می‌رود. حالا در «کن» ممکن است فیلمی که مورد توجه قرار می‌دهند با انگیزه‌های سیاسی چیز دیگری باشد و فیلم شما را مورد توجه قرار ندهند؛ اما آن ملاک نیست. ملاک این است که در محیط‌های نفوذپذیر فکری و عاطفی، کدام فیلم حضور دارد. کدام فیلم کار می‌کند. این در جبهه انقلاب کار می‌کند. البته دشمن ما همچنان ناشی‌گری می‌کند و خیلی جاها اشتباه و خطا می‌کند؛ ان شاء الله ما از خطاهایش استفاده کنیم.

نمی‌کنند و گاهی هم عکسش را بیان می‌کنند. در کشور هستند کسانی که معتقدند بایستی کشور را بکشانیم به سمت پیوستن به غرب. منطقشان هم این است که اگر بخواهیم کشور پیشرفت پیدا کند بایستی به غرب پیوسته شود و طبعاً پیوستن به غرب یعنی دنباله‌روی غرب باشیم. می‌گویند وقتی کشوری فاصله فاحش علمی و فناوری دارد و می‌خواهد به کشوری که جلوتر است بپیوندد؛ باید دنباله‌رو او باشد و منطقشان هم این است که پیشرفت بدون این نمی‌شود. دیگر توضیح نمی‌دهند که سال‌های متمادی که کشور این راه را رفت، چه شد؟ بعد از انقلاب مشروطیت، چند دهه پهلوی‌ها سرکار آمدند و تصمیم گرفتند کشور را از لحاظ فکری و فرهنگی و مبنای اعتقادی و مظاهر زندگی کاملاً غربی کنند. تصمیم گرفتند و برنامه‌ریزی کردند و عمل کردند. کشف حجاب، برداشتن عمامه‌های روحانیون و تعطیلی حوزه‌های علمیه از این کارها بود. اینها چیزهای آشکار بود و چیزهای پنهان فراوانی هم وجود دارد. ترویج فلسفه‌های غرب در ایران از کارهای عادی نیست. این کارها کاملاً با محاسبه انجام گرفته است. خیلی حرف داریم در این موضوع که حالا مجال گفتنش نیست. آدم‌هایی

## گسترش چتر گفتمان انقلاب اسلامی بر سر تمام ملت

عمده نظر و هدف شما این باشد که چتر گفتمان انقلابی را در کشور باز کنید. بر روی سر همه کشور باز کنید. این کار، بسیار هم دشمن دارد. کسانی هستند که سعی می‌کنند سفره گفتمان انقلاب را جمع کنند تا دیگر تفکر انقلابی وجود نداشته باشد. از اسم انقلاب هم خوششان نمی‌آید. از تفکر انقلابی هم خوششان نمی‌آید. از شاخصه‌های معروف انقلاب یعنی استکبار و استضعاف و عدالت اجتماعی هم خوششان نمی‌آید؛ شاخصه‌هایی که در کلمات امام علیه السلام بود؛ از این‌ها خوششان نمی‌آید. وقتی گفته می‌شود، استقبال

حرف، پشتوانه منطقی دارد. بنا دارند گفتمان انقلاب را یوآش یواش کمرنگ کنند و جایی از آن را بزنند و جایی را بزنند تا صورت بی جانی از آن باقی بماند. شما باید نقطه مقابل عمل کنید. یعنی هدف اصلی پس این شد که گفتمان انقلاب گسترش پیدا کند و چترش تمام ملت را در بر بگیرد و در دل‌ها نفوذ کند.

وابستگی به غرب نه  
فقط پیشرفت ایجاد نمی‌کند  
بلکه ضدپیشرفت است. اینکه  
ضدپیشرفت است، رجزخوانی  
نیست، حرف بی‌منطق نیست. اگر  
بنا باشد راجع به این قضیه صحبت  
کنیم، یکی دو ساعت می‌شود  
استدلال کرد. حرف، پشتوانه  
منطقی دارد.

کتاب‌ها را ترجمه کردند که وابستگی‌هایشان به غرب از لحاظ فکری و سیاسی واضح بود. این کارها را با حساب و کتاب انجام می‌دهند. خب! در این پنجاه، شصت سال کشور چه پیشرفتی کرد؟ چه هنری کردند؟ چه گلی به سر این ملت زدند؟

من یکی دو بار شاید این را گفتم، کشور مصر را شما نگاه کنید. از زمانی که عبدالناصر از دنیا رفت تا زمانی که بیداری اسلامی اتفاق افتاد، سی و چند سال گذشت. انقلاب اسلامی هم سی و چند ساله است. شما ببینید در طول این سی و چند سال، ایران از کجا به کجا رسیده است؟ همین را در مصر مطالعه کنید، ببینید چه اتفاقی آنجا افتاده است. این را خود مصری‌ها گفتند که ایران موشک می‌سازد و پرتاب می‌کند و فضاپیما دارد، ولی ما هنوز گرفتاریم که مسائل کوچک را چه جوری حل و فصل کنیم.

وابستگی به غرب نه فقط پیشرفت ایجاد نمی‌کند بلکه ضدپیشرفت است. اینکه ضدپیشرفت است، رجزخوانی نیست، حرف بی‌منطق نیست. اگر بنا باشد راجع به این قضیه صحبت کنیم، یکی دو ساعت می‌شود استدلال کرد.

خبر دارند، نه از مقدمات تحرک انقلابی خبر دارند، نه از خون‌دهایی که خورده شد و کارهایی که انجام گرفت. اطلاع دارند. حتی از جنگ و دفاع مقدس هم اطلاع ندارند. باید این مسائل برای اینها تبیین شود. این جزء کارهای اساسی شماس است که به نظر من در برنامه‌ریزی‌هایتان حتماً یک بخش را به این اختصاص بدهید.

پهلوی‌ها وقتی روی کار آمدند، یکی از اولین کارهایشان، خراب کردن چهره قاجار بود. البته قاجار چهره قابل تمجیدی ندارد؛ اما پهلوی آنچنان چهره قاجاری را خراب کرد و زشت جلوه داد که همه بگویند خدا پدر پهلوی را بیامرزد که ما را از دست آنها نجات داد. ما این کار را در مورد پهلوی نکردیم، در حالی که چهره پهلوی‌ها به مراتب زشت‌تر از چهره قاجاری‌هاست. نمی‌دانم شما خاطراتی که رجال سیاسی پهلوی در سال‌های آخر نوشتند و بعضی‌ها پیش قبل و بعضی بعد انقلاب چاپ شد، دیدید یا نه؟ چیزهایی که اینها نوشتند - من پشت یکی از کتاب‌ها نوشتم - واقعاً انقلاب اسلامی، ملت ایران را از یک سقوط وحشتناک نجات داد. اگر آنها سر کار می‌ماندند و نسل بعدشان هم می‌آمدند نمی‌دانم چه بلایی با این بی‌ایمانی و با این سستی

## تبیین مسائل انقلاب و نفوذ در دل‌ها

نکته‌ای که باز تأکید خواهیم کرد، این است که باید در دل‌ها نفوذ کرد. این کارها خیلی کارهای خوبی است که انجام گرفته؛ اما ارزیابی کنید ببینید این کارها چقدر در دل‌ها نفوذ کرده است؟ چقدر دل جذب کرده است؟ به‌خصوص که جوان‌های نسل کنونی غالباً از حقایق اطلاع درستی ندارند.

جوان‌ها «روایت» دارند، ما «درایت» داریم. ما از قبل از انقلاب و دوران انقلاب و پیروزی انقلاب درایت داریم و اینها را دیدیم و لمس کردیم. جوان‌های امروز نه از قبل انقلاب

بر سر کشور می‌آوردند! واقعاً خطرهای بزرگی را برای کشور ایجاد کردند. خودشان بد، اطرافیانشان بد، محمدرضا بد، علم بد، منصور بد، هویدا بد، همه بد، دور و وری‌هایشان بد، دل‌هایشان بد، عقایدشان بد، رفتارهایشان بد. جوان‌های ما از این قبیل چیزها اطلاعی ندارند. در زمینه رفع حیا، در زمینه ترویج فساد، در زمینه ارتکاب فساد، فسادهای مالی که هیچ، فسادهای جنسی و فسادهای گوناگون، اصلاً انسان گیج می‌شود وقتی که می‌بیند و می‌شنود و می‌خواند.

جوان‌های امروز نه از  
قبل انقلاب خبر دارند، نه از  
مقدمات تحرک انقلابی خبر دارند،  
نه از خون دل‌هایی که خورده شد و  
کارهایی که انجام گرفت اطلاع دارند.  
حتی از جنگ و دفاع مقدس هم  
اطلاع ندارند. باید این مسائل  
برای اینها تبیین شود.

یکی هم مسئله  
دستاوردهای انقلاب است. ما  
در مورد نشان دادن دستاوردهای  
انقلاب هم کم کاری داریم. الان  
عده‌ای می‌گویند در زمینه اقتصادی  
اختلال هست، فلان هست، بله!  
اما نقاط قوت را مورد توجه  
قرار نمی‌دهند.

### گزارش خدمات، بدون سیاه‌نمایی

یکی دیگر مقوله خدمات است. خدماتی که انجام گرفته در این کشور واقعاً بی نظیر است. اگر این خدمات را به عدد سال‌ها و ماه‌ها توزیع کنید آن وقت به شما ثابت می‌شود که این همه خدمات گوناگون به مردم چقدر فراوان است. البته گفتن زبانی نتیجه خوبی ندارد و گفتن هنری می‌خواهد. حالا در کنار اینها سیاه‌نمایی هم زیاد می‌شود.

### تبیین نقاط قوت دستاوردهای انقلاب

یکی هم مسئله دستاوردهای انقلاب است. ما در مورد نشان دادن دستاوردهای انقلاب هم کم کاری داریم. الان عده‌ای می‌گویند در زمینه اقتصادی اختلال هست، فلان هست، بله! اما نقاط قوت را مورد توجه قرار نمی‌دهند. انقلاب اسلامی در زمینه زیرساخت‌های کشور - اگر مبالغه نباشد - کاری شبیه معجزه انجام داد. زیرساخت‌هایی که در کشور ایجاد شده چیز عجیبی است. امروز با این زیرساخت‌ها کشور می‌تواند در هر رشته‌ای سرمایه‌گذاری کند؛ یعنی منابع مالی صرف و آدم‌های متناسب را پیدا کند و بگمارد، می‌تواند با دنیا رقابت کند. کما اینکه در بعضی جاها می‌بینید خبر می‌دهند در نانو رتبه مثلاً چهارم یا سوم یا رتبه هشتم دنیا. این خیلی مهم است. کشوری که در ته جدول علمی دنیا قرار داشته حالا چیزی در ردیف رتبه‌های اول و دوم و سوم دنیا قرار می‌گیرد.



یکی از دوستان درباره صراحت پرسیدند، صراحت چیزی خوبی است، اما مواظب باشید سیاه‌نمایی نشود. این جور نشود که چیزی را که نیست، هست نشان بدهیم - ولو ناخودآگاه - و چیزی را که هست، یک کلاغ چهل کلاغ کنیم - باز هم ناخودآگاه. به مجرد اینکه یک اتهامی به دستگاهی یا کسی یا شخصیتی متوجه شد، اولین تأثیر، تأثیر پذیرش در دل‌هاست؛ تا وقتی بحث کنند و برطرف کنند. به اینها توجه کنید. به خصوص در کشور هم متأسفانه این سیاه‌نمایی‌ها باب شده است؛ به خصوص در فصل انتخابات. برای اینکه رقیب‌ها همدیگر را بزنند، به جان نظام می‌افتند. به جای اینکه همدیگر را کتک بزنند، مثل دو برادری که با هم دعوا دارند، به جای اینکه به هم بزنند، پدر را کتک می‌زنند؛ این جوری به جان نظام می‌افتند و دعوا می‌کنند.

### توجه به گسترش فضائل اخلاقی در جامعه

یکی از چیزهایی که در گزارش‌های شما خیلی پررنگ نبود، مسئله گسترش اخلاق و فضائل اخلاقی بود. هم در کارهای مربوط به بنیاد فرهنگی خاتم‌الاولیاء که کارهای وسیعی دارد، هم در اوج، هم در فضای مجازی و هم در شبکه تلویزیونی به نظر من روی این سرمایه‌گذاری کنید. ما باید مردم را با اخلاق تربیت کنیم و با اخلاق بار بیاوریم. همین مسئله اجتناب از تهمت، اجتناب از غیبت، اجتناب از حسادت، اجتناب از بی‌وفایی، اجتناب از بدعهدی، اجتناب از جُبن، همین‌هایی که در دعاها ما هست. دعاها درس است «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ

ما باید  
مردم را با اخلاق  
تربیت کنیم و با اخلاق بار  
بیاوریم. همین مسئله اجتناب از  
تهمت، اجتناب از غیبت، اجتناب  
از حسادت، اجتناب از بی‌وفایی،  
اجتناب از بدعهدی، اجتناب  
از جبن، همین‌هایی که در  
دعاهای ما هست. دعاهای  
درس است

بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحَزَنِ وَالْعَجْزِ وَالْكَسَلِ وَالْبُخْلِ وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ  
وَالْغَفْلَةِ وَالْقِسْوَةِ؛<sup>۱</sup> چیزهایی است که به خدا پنا می‌بریم و  
بایستی خود را از اینها دور و به فضائل اخلاقی نزدیک کنیم.  
یکی از فضائل اخلاقی حیاست. حیا امروز یکی از چیزهایی  
است که دشمنان ما دارند ترویج می‌کنند تا از ما بگیرند؛  
به‌خصوص در فضای مجازی و فیلم‌های ماهواره‌ای. حیا را از  
بین می‌برند و بی‌حیایی را باب می‌کنند. حیا خیلی چیز مهمی  
است و جلوی فسادهای جنسی با ترویج حیا گرفته می‌شود.

## تقویت مبانی معرفت دینی با عواطف و احساسات

تقویت بنیه معرفت دینی که در گزارش‌های دوستان هم  
بود کاملاً درست است. احساسات خوب است. بنده با کسانی  
که مخالف تحریک احساساتند، موافق نیستم. در همین  
ماجرای اربعین چیزی که مردم را حرکت می‌دهد، عواطف  
است. اصلاً دنیا را تکان می‌دهد. البته عواطف و احساسات  
می‌تواند پوچ باشد یا می‌تواند متکی به مبانی باشد. این  
مبانی را باید در اذهان تقویت کرد. مبانی برانگیزاننده  
عواطف و احساسات را بایستی تقویت کرد.

۱. کافی، ج ۳، ص ۵۸۶.

بنیه‌های فکری خیلی مهم است. نباید از آن غافل شد. این که من به جمع اندیشه‌ورزان دینی تأکید کردم برای این است. حالا خوشبختانه آقایان اینجا تشریف دارند و همه صاحب فکر و صاحب بیان گویا و فکر آگاه هستند. این جمع، تازه تشکیل شده است، ولی بایستی همان چهار، پنج سال پیش تشکیل می‌شد و پیش می‌رفت. آقایان هم البته یک سر دارند و هزار سودا! هر کدامشان اشتغالات فراوانی دارند. بایستی وقت گذاشته شود.

نقش مجموعه اندیشه‌ورز باید مشخص شود؛ چه حالا اندیشه‌ورز دینی در این بخش، چه اندیشه‌ورز سازمانی و مدیریتی. اندیشه‌ورزها باید بنشینند، کار کنند و نقششان در رابطه با اجرا و عمل و خروجی‌ها مشخص شود.

شورای مشورتی فرق می‌کند با هیئت اندیشه‌ورز. اندیشه‌ورزی برای این است که پایه‌های فکری را محکم کند. شورای مشورتی این است که ما مشورت می‌کنیم. زمانی حضرت امام علیه السلام فرمودند در این قضیه قانون اساسی کسی گفته من مشورت کنم، ولی نگفته که مشورت شما را قبول کنم. بنابراین مشورت اعم از این است که در مجموعه شما تأثیر گذاری داشته باشد.

### استقلال، حتی در انتخاب الفاظ

حالا همین‌جا متذکر شوم که دیگر این کلمه «اتاق فکر» را هم به کار نبرید. اتاق فکر یک تعبیر فرنگی است. گرتنه‌برداری شده از تعبیر فرنگی است. کما اینکه این «برخط» را هم درست کنید. شما الحمدلله اهل زبان و فرهنگید. «برخط» ترجمه تحت‌اللفظی «آنلاین» است. مثلاً بگویید «بی‌درنگ» یا «بلادرنگ». یک تعبیر کتابی برای فوریت. بگویید «بی‌درنگ»، «بادرنگ» به جای «آنلاین» و «آفلاین». حالا سلیقه من این است، شما سلیقه من را عمل نکنید؛ چیز بهتری خودتان پیدا کنید؛ یعنی این تعبیرات گرتنه‌برداری شده را شماها حتی‌المقدور از فرهنگ کارتان خارج کنید. شما مرجع و مبنا هستید.

## کشف مخاطب و افزایش مخاطب

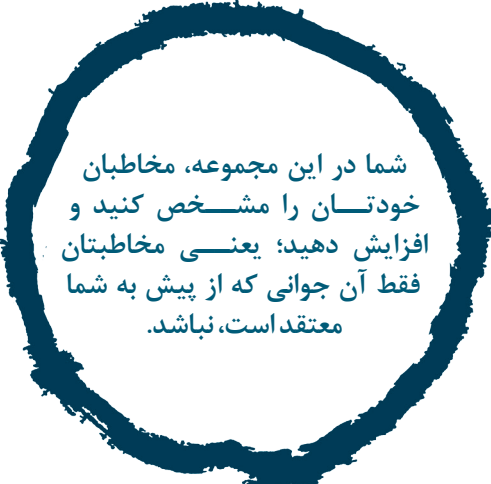
اما درباره مسئله خلق مخاطب که گفتیم در واقع به معنای کشف مخاطب است؛ یعنی شما برای خودتان مخاطب درست کنید. درست کردن به معنای تولیدِ اصطلاحی نیست؛ به معنای این است که در این مجموعه انسانی‌هایی که در این کشور هستند و می‌توانند مخاطب رسانه باشند - حالا که کار با رایانه و فضای مجازی به بچه‌های سه چهارساله هم رسیده؛ گاهی در همان اثنای بازی چیزی را کشف می‌کنند که بزرگترهایشان آن را نفهمیدند، یعنی این دایره وسیع شده - شما در این مجموعه، مخاطبان خودتان را مشخص کنید و افزایش دهید؛ یعنی مخاطبتان فقط آن جوانی که از پیش به شما معتقد است، نباشد.

«گر بیگانه هم با ما نشیند، آشنا خیزد»

اگر بیگانه هم با شما نشست، به یاد آشنا وارد شود. به تعبیر رایج، قشر خاکستری و حتی قشر از خاکستری متمایل به طرف سیاه را هم باید پُر یابید و جذب کنید.

## استفاده از تجربیات موفق بزرگان

بنابراین باید اندیشه ناب اسلامی رواج پیدا کند. این «طرح ولایت» که حضرت آقای مصباح ادام‌الله بقائه راه انداختند، بسیار چیز خوبی است و باید ادامه پیدا کند. ایشان هم فکرش را کرد؛ یعنی هم منبع فکری داشت، هم ابزار کار داشت؛ یعنی طلبه‌ها را. این جور کارها برای شما تجربه است؛ از این تجربه‌ها استفاده کنید.



شما در این مجموعه، مخاطبان  
خودتان را مشخص کنید و  
افزایش دهید؛ یعنی مخاطبتان  
فقط آن جوانی که از پیش به شما  
معتقد است، نباشد.

### سبجش اثربخشی

من خیلی شماها را دوست دارم و اصلاً قدر شماها را خیلی می‌دانم. به صدق شماها کاملاً یقین دارم. این گزارش‌هایی که شما می‌دهید همه‌اش را قبول دارم که گزارش‌های واقعی است. منتهی همه این گزارش‌ها نشان‌دهنده واقعیت خروجی نیست؛ یعنی خروجی کار شما آیا با همان حجم و همان کیفیتی است که در گزارش شما نشان داده می‌شود؟

معلوم نیست. نه اینکه من نسبت به این گزارش سوء ظن دارم، ابداً! واقعاً شماها را صادق می‌دانم، ولی درعین حال سی و چند سال است با دستگاه‌های اجرایی سروکار دارم و مرتباً گزارش دادند. خود من هم یک آدم تا حدودی میدانی بودم.

قبل از ریاست جمهوری دائم در میدان بودم. از نزدیک نگاه و ارزیابی می‌کردم. می‌توانستم بفهمم گزارش‌ها چه‌جوری است. الان هم با بدنه جامعه بی‌ارتباط نیستم. مثلاً فرض کنید صداوسیما می‌گوید ما فیبر نوری را تا همه‌جا بردیم و تصویر ما به همه جا می‌رسد. بعد از فلان روستا به من نامه می‌نویسند که آقا ما تصویر که نداریم هیچ، صدا هم نداریم! دفتر ارتباطات مردمی ما هم منتظر همین چیزهاست؛ فوراً نامه را برای من می‌فرستد. نه اینکه صداوسیما خلاف گفته، راست گفته است اما خوب واقعیت این است که گزارش‌هایی که راست هم هست، اما با خروجی‌ها تطبیق نمی‌کند. بروید ببینید خروجی‌هایتان چیست؟ شما می‌توانید ببینید.

دین «لِيُظْهِرَهُ» یعنی غلبه پیدا کند. اما خدا که مستقیم غلبه نمی‌دهد؛ به وسیله شما غلبه می‌دهد. شما باید بتوانید این دین را، این اندیشه را، این فکر ناب را، این برنامه زندگی را بر تمام بشریت تطبیق بدهید و غالب کنید. این را خدا به عهده من و شما واگذار کرده است. اگر وسع ما نبود که واگذار نمی‌کرد. از این طرف قضیه نگاه کنید وقتی تکلیف سنگین روی دوشتان هست، بدانید که وسعتان هم هست. به جای اینکه بگوییم این تکلیف سنگین است، پس وسع من نیست و تکلیف برداشته است بگویید این تکلیف از ما خواسته شده است، پس ما می‌توانیم. اگر نمی‌توانستیم از ما خواسته نمی‌شد.

الان در دورانی هستیم که تقیه به معنای خاص خودش نداریم. در دورانی هستیم که اسلام قدرت سیاسی دارد و در این دوران از ما خواسته شده است. زمانی می‌گفتند اخوان المسلمین دو میلیون عضو دارد، این یک جریان بود، اما قدرتی نداشت. این دو میلیون در هر کشوری بودند به راحتی از طریق بخش‌های امنیتی دولت‌ها تعطیل و دستگیر می‌شدند، کما اینکه شدند. این خاصیت اسلام

## ما می‌توانیم

اینکه می‌گوییم شما می‌توانید، یک حرف احساساتی نیست؛ مستند به بیان قطعی الهی است «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا أَلًا وُسْعَهَا»<sup>۱</sup>. ما معمولاً هر کاری که یک خرده سخت بود و مشکل بود و دستمان نرسید، می‌گوییم من دیگر بیشتر از این تکلیف ندارم. اما این یک طرف قضیه است و یک جاهایی درست است. اما از آن طرف انسان می‌بیند خدا تکالیفی به انسان داده «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»<sup>۲</sup> بایستی این

۱ - سوره مبارکه بقره، آیه ۲۸۶.

۲ - سوره مبارکه توبه، آیه ۳۳.

بی قدرت است. هیچ کس از اسلام بی قدرت نمی ترسد. حتی بعضی ها این اسلام بی قدرت را تأمین و تقویت می کنند و حتی کمک مالی هم می کنند. از اسلام با قدرت می ترسند؛ اسلامی که تجهیزات و دولت و سیاست خارجی و نیروهای مسلح دارد. اسلامی که متفکرین را زیر چتر می آورد. از این اسلام می ترسند. این اسلام الآن دست شماست و شما می توانید خیلی کارها انجام بدهید. بسیاری از کارها را می توانید انجام بدهید. معتقدم می توانید.

الان همین کارهایی که شما کردید همین اوج و افق و... ده سال پیش اگر کسی می گفت این کارها بناست انجام بگیرد، غالباً می گفتند آقا! مگر می شود؟ اما خب شما انجام دادید و توانستید. بنابراین مخاطب را فقط بچه های انقلابی نگذارید.

شما باید بتوانید این  
دین را، این اندیشه را، این  
فکر ناب را، این برنامه زندگی  
را بر تمام بشریت تطبیق بدهید  
و غالب کنید. این را خدا به  
عهده من و شما واگذار کرده  
است. اگر وسع ما نبود که  
واگذار نمی کرد.

سفارش دادن به خارج از  
مجموعه و آدم بیگانه، درست  
نیست؛ در حالی که در داخل مجموعه  
شما آدم‌هایی هستید که می‌توانند  
این کار را انجام دهند.

### کتاب‌های انقلابی باید خوانده شود

در مسئله سیر مطالعاتی هم که گفتید خوب است،  
منتهی مصرف کتاب را هم نگاه کنید. شمارگان چاپ  
شده کتاب‌های انقلابی بالاست، ولی باید خوانده  
شود؛ صرف خریدن کافی نیست. خاطر جمع شوید  
کتاب خوانده شود...



## اتصال کارهای فرهنگی به کارهای اجتماعی

نکته دیگر هم وصل کردن کارهای فرهنگی به کارهای اجتماعی است. این اردوهای جهادی خیلی قیمت و ارزش دارد. شما وقتی در اردوی جهادی در روستایی مدرسه تعمیر می‌کنید یا مسجد و غسل‌خانه می‌سازید و... وقتی با اخلاق خوب رفتار می‌کنید و با بچه‌های آنها مرتبط می‌شوید، آن وقت رفتار شما به طور طبیعی منعکس می‌شود. اگر مثلاً دوپست گروه جهادی در هر فصلی داشته باشیم که کار کنند، بعد در طول سال با ضریب بالایی تعدادش افزایش پیدا می‌کند و این در سطح کشور تأثیر مهمی خواهد گذاشت. این همان افزایش کیفیت و کمیتی است که عرض کردم دارد حاصل می‌شود؛ از اینها استفاده کنید.

## ساخت برنامه برای تقویت فکر مخاطب

کارهای قوی تلویزیونی هم به فکرش هستید. در بخش مسـتند خوشـبختانه ما توانایی‌هایمان خیلی خوب است. بچه‌ها خوب کار کردند. منتهی مستندهایی برای تقویت فکر مخاطب بسازید؛ یعنی با این نیت و هدف درست کنید که جوان بتواند مجادله و مبارزه کند.

واقعاً فقیر هستند، از مردم همیاری خواستند و یک مبلغ کلانی با همان بضاعت اندکشان جمع شده و یک صندوق درست کردند برای اعانه و وام قرض‌الحسنه؛ یعنی مردم وقتی صداقت دیدند، توی میدان وارد می‌شوند.

## توجه به آسیب‌های اجتماعی

بحث آسیب‌های اجتماعی خیلی مهم است. ما چند شب قبل از این جلسه‌ای داشتیم، سه ساعت طول کشید. البته جلسه شما سه ساعت بیشتر شده است. نشستیم بحث کردیم و حرف زدیم راجع به مسائل مربوط به آسیب‌های اجتماعی. خیلی مهم است. در این زمینه‌ها هم بخشی از گروه‌های فعال در حوزه آسیب‌های اجتماعی هست که قطعاً می‌تواند موضوع کارهای شما قرار بگیرد. مثلاً در مورد خدماتی که عرض کردم کاری در منطقه جنوب شرقی کشور به نام «قلعه گنج» انجام شده است. آنجا مثلاً وزارت کشور اقدامی انجام داده است که آن شب گزارش دادند. این موضوع یک مستند می‌تواند باشد. خود این می‌تواند الگویی برای اقتصاد مقاومتی باشد. در آن منطقه فقیر که مردم

خوب هم از آب درآمد، این خیلی به درد شما نمی خورد. کسی که فیلم خنثی می سازد، نوکر بادمجان است. ارباب به نوکر گفت: بادمجان خوب است یا بد؟ گفت: شما چی می فرمایید؟ من نوکر شما هستم، هر چی شما بگویید.

زمانی شما هوشمندانه یک کارگردان می آورید و با او کار می کنید تا به شما بپیوند و جذب شود؛ این خوب است. بنده هم از اول انقلاب در آن بخش هایی که می توانستم مثل شعر، همین کار را کردم. اما سفارش دادن به خارج از مجموعه و آدم بیگانه، درست نیست؛ در حالی که در داخل مجموعه شما آدم هایی هستند که می توانند این کار را انجام دهند. حالا شما می گوئید ما الان کسی نداریم، خب بگذارید همین جوان های خودی دوتا، سه تا فیلم خراب کنند، فیلم چهارمشان خوب خواهد شد. من اصرار دارم بر اینکه شما - به قول خودتان - کادرسازی کنید - البته کلمه «کادر» را نمی دانم در مقابلش چی بگذاریم که این کلمه فرنگی را به کار نبریم - .

بایستی کارهای شما از لحاظ کیفیت و از لحاظ کمیت ان شاء الله بر سینمای کشور غلبه کند. سینمای کشور وضع

## اهمیت کادرسازی

در مورد تولیدات سینمایی، ساختن آدم ها مهمتر از ساختن فیلم هاست. این خیلی مهم است. من در مورد تولید محصولات کشور می گویم تولیدی که در داخل میسر است از خارج نیاید؛ چون نیروی داخلی انگیزه اش ضعیف و توانایی اش کم می شود. عین این قضیه در مورد اوج و افق هم هست. اگر شما به فلان کارگردانی که فیلم های خنثی و گاهی منفی می سازد یک پول حسابی دادید - الحمدلله پول هم توی دست و بال شما کم نیست - و از او خواستید در موضوع مورد علاقه شما فیلمی بسازد، او هم ساخت و

در او هست. باید این استعداد را شناخت و استخراجش کرد. این استعداد در شما هست. من معتقدم شما می‌توانید این کار را انجام دهید. ما خیلی به شماها معتقدیم. شاید خودتان باورتان نیاید چقدر به شما اعتقاد داریم.

خوبی ندارد. بنده از سال گذشته به توصیه یکی از دوستان تصمیم داشتم در مورد سینما یک جریانی را دنبال کنم، منتهی متأسفانه وقت نکردم. حالا شماها که اهل این کار هستید، کاری کنید که در سینمای کشور غلبه کنید.

همتتان را هم در ساخت فیلم بالا ببرید. همت کنید سالی بیست تا فیلم باکیفیت بسازید. شما اگر همت کنید می‌توانید؛ یعنی واقعاً توانایی شما بیش از این است؛ قدرت شما بیش از این است. شماها خیلی در خودتان ظرفیت دارید. ببینید! دست انسان در حالت معمولی و بدون تمرین، قدرت زیادی ندارد و تأثیری نمی‌گذارد؛ اما حالا بروید باشگاه کاراته. چند ماه آنجا کار کنید بعد بیایید بیرون. با همین دست می‌توانید بازوی کسی را هم بشکنید. این همان دست است دیگر. ظرفیتی در این هست که شما آن ظرفیت را قبلاً کشف نکرده بودید. مثلاً ژیمناست‌ها چه کارهایی می‌کنند؟ خوب! بدن انسان مگر چقدر کشش دارد؟ مگر چقدر انعطاف در بدن ایجاد می‌شود؟ اما ژیمناست انواع و اقسام انعطاف‌ها را انجام می‌دهد. این بدن، قبلاً خام بود و نمی‌توانست این کارها را انجام دهد؛ اما این استعداد

## تعامل مثبت با صدا و سیما و حوزه هنری

با صداوسیما و حوزه هنری و... هر چه می‌توانید، تعامل کنید. شبکه افق هم که در جلسه سال ۱۳۹۲ آقای جعفری اشاره کردند و مطرح کردید من هم حقیقتش خیلی باورم نمی‌آمد بشود این کار را انجام داد، ولی الحمدلله صداوسیما قبول کرد و ششماهها وارد شدید و کار انجام شد. البته چند ماه هم همه را سر کار گذاشتید و هر وقت تلویزیون را باز کردیم دیدیم دارد همینطوری خط و خطوط نشان می‌دهد. به مدیریت صداوسیما آقای عسگری کمک کنید. این آقای عسگری خیلی آدم به‌درد بخوری است. هم اهل کار است، هم جدی و علاقمند و واقعاً دلسوز است. هر چه می‌توانید به ایشان کمک کنید؛ ایشان هم استقبال کنند. جوری عمل کنید که مدیریت سازمان دو شقّه نشود.

فضای مجازی حقیقتاً  
قتلگاه جوانان ما شده است.  
الان منطقه عظیمی از فضای  
مجازی در اختیار دشمن است  
و هر کار دلش می‌خواهد در  
آن فضا می‌کند.

## فضای مجازی، قتلگاه جوانان

خیلی دارد وقت می‌گذرد. من البته معمولاً ساعت ده می‌خوابم. حالا باید برویم شام هم بخوریم و بعد بخوابیم.

فضای مجازی را نمی‌شود آدم مطرح نکند. فضای مجازی حقیقتاً قتلگاه جوانان ما شده است. الان منطقه عظیمی از فضای مجازی در اختیار دشمن است و هر کار دلش می‌خواهد در آن فضا می‌کند. انواع ضربه‌ها را به ما در فضای مجازی وارد می‌کند. شما البته کار کردید و خیلی هم خوب کار کردید، ولی این کافی نیست. کارهای ابتکاری باید بکنید. باید دشمن را از فضای مجازی کشور برانید و بتار کنید. این باید نتیجه و نهایت کار شما باشد. البته یک تحول هوشمندانه‌ای در فضای مجازی بایستی انجام بگیرد. تشکیل هیئت‌های اندیشه‌ورز قوی و پیدا کردن راهکار، برای همین موضوعات است. شما واقعاً به هیئت‌های اندیشه‌ورز احتیاج دارید. مثل خود شماها افرادی هستند که بر این فضا مسلط‌اند. همه جوان و همه علاقمند و همه معتقدند و می‌توانند کار کنند. همین آقای دکتر انتظاری هم که قبلاً بود از جمله همین‌هاست. هم مسلط از لحاظ اطلاعات فنی و هم آدم خوبی است که ان‌شاءالله آقای جعفری حمایت کنند.

یک واحد انقلابی و مردمی اول  
تشکیل می‌شود بعد به مرور همین‌طور  
تبدیل می‌شود به یک شیء متحجر و  
بسته و منقطع. این اتفاق نباید بیفتد.  
به شدت مراقب این معنا باشید.

## لزوم ایجاد شبکه پیام‌رسان ملی

یک شبکه پیام‌رسان وسیعی با ظرفیت ۲۰ میلیونی ایجاد کنید. یعنی واقعاً کاری کنید که مردم احتیاجی به شبکه تلگرام نداشته باشند. یعنی یک شبکه پیام‌رسان واقعاً با شبکه بیست میلیون با همان جذابیت‌هایی که آن شبکه‌ها دارند به وجود بیاورید. همت را بر این قرار دهید، شما می‌توانید.

سؤالی از من شده که آیا این جبهه مردمی انقلاب و جبهه‌ای که بنیاد خاتم‌الاولیاء<sup>ع</sup> راه انداخته، آیا اینها در شبکه‌های مجازی وارد بشوند یا نه؟ به نظر بنده ورود هوشمندان خلی خوب است منتهی حواستان هم باشد آدم‌هایی و گروه‌هایی وارد شوند که اثرگذار باشند، نه اثرپذیر. کسانی که میدان را از دست دشمن خارج کنند. نشود حکایت غلام و جوی که:

شد غلامی که آب جوی آرد

آب جوی آمد و غلام ببرد<sup>۱</sup>

۱. گلستان سعدی - باب سوم - در فضیلت قناعت؛ حکایت ۲۴.

## جبهه واحد مردمی و توجه به کار ستادی

یک نکته اساسی و یک دغدغه مهم من دارم و آن این است که قرار ما از اول که این حرف‌ها مطرح شد و شماها وارد میدان شدید، این بود که ما یک جبهه تشکیل بدهیم، یک جبهه مردمی تشکیل بدهیم. اگر قرار باشد که ما چندتا سازمان درست کنیم که می‌شود سازمان درست کرد، اما آن مورد نظر ما نیست. این سازمان‌ها باید کار ستادی بکنند. مردم باید خودشان از انقلاب‌شان دفاع کنند. مردم بایستی وارد میدان افاده و استفاده بشوند. حواسمان باشد که به تدریج تبدیل به یک موجود متحجر نشویم. یک واحد انقلابی و مردمی اول تشکیل می‌شود بعد به مرور همین‌طور تبدیل می‌شود به یک شیء متحجر و بسته و منقطع. این اتفاق نباید بیفتد. به شدت مراقب این معنا باشید، به‌خصوص مجموعه خاتم‌الاولیاء<sup>ع</sup> که این رقم‌هایی که شما گفتید، رقم‌های افسانه‌ای است؛ هزارتا هیأت، دوهزارتا فلان. خب! خیلی مهم است ارتباط با این‌ها به نحوی باشد که این‌ها فعال باشند و فعال بمانند تا واقعاً به معنای واقعی کلمه، جبهه محسوب بشود.





## جهت‌گیری امام و انقلاب فصل الخطاب است

خب! مجموعه هسته فکری دینی هم که بحمدالله تشکیل شده است. البته ما اصرار داریم مؤثر باشند و کار بکنند و تکیه‌گاه مطمئنی برای کل مجموعه باشند. جهت‌گیری فکری کل مجموعه هم طبعاً جهت‌گیری امام و انقلاب باشد. البته آقایانی که می‌شناسم جز این هم نخواهد بود. ممکن است بین نفرات در مسائل حاشیه‌ای یا فرعی یا حالا نیمه‌فرعی اختلاف نظرهایی وجود داشته باشد. بالاخره باب اجتهاد است و اختلاف نظرهایی وجود دارد. اینجا بایستی مرجع حل نهایی را نظرات امام و خط امام قرار داد. البته اگر بشود این مجموعه روحانی و فکری، مدیریتی از میان خودش، برای خودش درست کند. تجربه ما این را نشان می‌دهد که مجموعه‌هایی که رئیس ندارند، پیشرفت کارشان کمتر از مجموعه‌هایی است که رئیس دارند.

## لزوم هم‌افزایی مجموعه‌های قرارگاه فرهنگی

گزارش‌هایی هست که مجموعه‌های بنیاد و اوج و سراج خیلی با هم هم‌افزایی ندارند، اگر چنانچه واقعیت دارد حتماً این را علاج کنید؛ حتماً علاج کنید؛ یعنی ناهماهنگی بین مجموعه‌های زیرمجموعه قرارگاه وجود نداشته باشد. قرارگاه اصطلاح خوبی است. جایی است که از جاهای مختلف نیرو می‌گیرد و تحت امر قرار می‌دهد؛ یعنی کنترل وضعیت و مأموریت و کنترل عملیاتی می‌کند، انگار با هم هماهنگ‌اند؛ یعنی زمان جنگ مثلاً قرارگاه کربلا بود که آقای جعفری بودند؛ فرض کنید از لشکر نصر یا عاشورا یا لشکر سیدالشهدا علیه السلام از هر کدام یک یا دو یا سه واحد نیرو می‌گرفت و کنترل عملیاتی می‌کرد. هماهنگی اینها با اوست؛ یعنی حتی آنها از یگان اصلی خودشان، از لحاظ عملیاتی، منقطع می‌شدند و زیرنظر قرارگاه قرار می‌گرفتند. باید چنین حالتی وجود داشته باشد. باید هماهنگی حتماً وجود داشته باشد. حالا راه این هماهنگی چیست؟ این باز به عهده خود شماست. شماها خیلی بهتر از بنده می‌توانید در این زمینه نظر بدهید.

## مراقبت و حفظ نیروهای خوب پرورش یافته

نکته مهم دیگر اینکه نیروهای خوبی که شما پرورش دادید و تولید و خلق کردید، مراقب باشید از دست ندهید. یکی از کارهای اساسی این است که نیروهایی که مال انقلابند، گاهی بر اثر یک مسأله جزئی از دست انقلاب خارج می‌شوند. گاهی یک جمله کوچک، گاهی یک برخورد نامناسب اینها را از زیر سایه انقلاب خارج می‌کند. مراقب باشید چنین چیزی اتفاق نیفتد.

یکی از کارهای اساسی  
این است که نیروهایی که  
مال انقلابند، گاهی بر اثر یک  
مسأله جزئی از دست انقلاب خارج  
می‌شوند. گاهی یک جمله کوچک،  
گاهی یک برخورد نامناسب اینها را  
از زیر سایه انقلاب خارج می‌کند.  
مراقب باشید چنین چیزی  
اتفاق نیفتد.

## توجه به ظرفیت‌های بانوان

مسئله بانوان هم مهم است. بانوان جوان خیلی کار دارند. اگر چنانچه از بانوان خبره و خوب استفاده کنید اینها بیایند و مجموعه‌های زنان جوان را دور هم جمع کنند - همان کاری که شما در مورد جوان‌ها انجام می‌دهید، آنها در مورد دختران جوان و خانم‌ها انجام بدهند و کار کنند - خیلی استعداد‌های خوبی بین اینها یافت می‌شود. بعضی از همین کتاب‌هایی که شما اشاره کردید و پُر فروش‌اند، نویسنده‌اش همین دخترهای جوانند. اینها تنظیم کردند و نوشتند.

## کارها را برای خدا کنید

آخرین سخن هم این است که کارها را برای خدا بکنید. وقتی برای خدا کردید، خدا به کار برکت می‌دهد. خدا به شما توفیق می‌دهد. خدا اثر کار را گسترش می‌دهد. وقتی کار برای خدا بود، چون با نیت الهی وارد شدید، خدای متعال به او کمک می‌کند و راه را باز می‌کند. هر چه می‌توانید اخلاص خودتان را افزایش دهید.

این رقم‌هایی که شما گفتید،  
رقم‌های افسانه‌ای است؛  
هزار تا هیأت دوهزار تا فلان.  
خبا خیلی مهم است ارتباط  
با این‌ها به نحوی باشد که  
این‌ها فعال باشند و فعال بمانند  
تا واقعاً به معنای واقعی کلمه،  
جبهه محسوب بشود.

امام خامنه‌ای

۹۵/۸/۱۹